

بررسی اهمیت؛ اسباب و آثار وحدت و وفاق در ساحت قرآن و روایات

نوید طالبی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۲۹)

چکیده

وحدت و وفاق از اصول بنیادین در اسلام است که تأثیر عمیقی بر حیات فردی و اجتماعی مسلمانان دارد. لذا با توجه به لزوم جلوگیری از وقوع اختلاف و تشتت در جامعه اسلامی، ضرورت دارد به بررسی اهمیت وحدت و وفاق در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) و اسباب اتحاد جمعی و آثار آن پرداخته شود. بدین منظور این تحقیق با روشی توصیفی به تبیین مفهوم وحدت و وفاق؛ اسباب وحدت و اتحاد و آثار آن در ساحت آموزه‌های قرآن کریم و روایات معصومان (ع) پرداخته و یافته‌ها حاکی از آن است که تحقق وحدت و وفاق نه تنها سبب تحکیم امنیت، حل نزاع‌ها و اتحاد در جامعه اسلامی می‌شود بلکه زمینه‌ساز دستیابی به اهداف عالی انسانی نیز خواهد بود و آثاری همچون ارتقای عزت؛ خیر و رشد فردی و اجتماعی و تحقق تمدن اسلامی را نیز دارا می‌باشد.

کلید واژه‌ها: وحدت اسلامی، وفاق اجتماعی، امت واحده، اهمیت، اسباب، آثار.

n.abutalebi@stu.qom.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران؛

۱. تبیین مسئله

وحدت و وفاق در ساحت قرآن و روایات یک موضوع بنیادین و اساسی است که در ساختار اعتقادی و رفتاری اسلام نقش کلیدی ایفا می‌کند. این موضوع نه تنها در سطح فردی، بلکه در سطح جمعی و اجتماعی نیز تأثیرگذار است. لذا علاوه بر تأثیر در کیفیت درک متون اسلامی، در نوع تفکر روزمره مسلمانان نیز تأثیرگذار است. وحدت و وفاق در قرآن و روایات به مفهوم وحدت و هماهنگی مسلمانان در اعتقادات، اعمال و رفتارهای خود اشاره دارد. این وحدت نه تنها در سطح فردی، بلکه در سطح جمعی و اجتماعی نیز اهمیت دارد. وحدت و وفاق در اسلام به معنای اتحاد و هماهنگی مسلمانان برای رسیدن به اهداف مشترک و دفاع از ارزش‌های اسلامی است. از دیدگاه قرآن و حدیث، وحدت و وفاق به عنوان یک اصل اساسی معرفی شده است که بدون آن، جامعه اسلامی نمی‌تواند پایدار و پرورش‌یافته باشد. این اصل در متون مقدس اسلام به عنوان یک عامل کلیدی برای موفقیت و پیشرفت جامعه اسلامی مطرح شده است. لیکن علی‌رغم تأکید فراوان قرآن و روایات بر اهمیت وحدت و وفاق، چندین جنبه کلیدی در فهم و میدانی کردن این مفاهیم؛ مبهم و مجهول مانده است، بر این اساس مسئله اصلی این پژوهش، بررسی این پرسش است که: وحدت از منظر قرآن و روایات چه جایگاهی دارد، چه عوامل و بسترهایی زمینه‌ساز تحقق آن هستند، و آثار و ثمرات فردی، اجتماعی و تمدنی آن در حیات امت اسلامی چگونه قابل تحلیل و تبیین است؟ برای پاسخ به این سؤال اصلی، پرسش‌های فرعی زیر نیز مورد بررسی قرار خواهند گرفت:

۱. مفاهیم واژگان کلیدی مانند "وحدت"، "وفاق"، "امت واحده" و "تفرق" در قرآن

و حدیث چیست؟

۲. عوامل و موانع دستیابی به وحدت از منظر متون دینی کدام‌اند؟

۳. چه آثار و ثمراتی در ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برای وحدت ذکر

شده است؟

لذا این پژوهش با تکیه بر روش تحلیل محتوای کیفی و بهره‌گیری از منابع معتبر تفسیری و حدیثی، تلاش می‌نماید تا به تحلیل عمیق و جامع از مفهوم وحدت در منابع دینی پرداخته، نقش آن را در تحقق جامعه مومنانه و تمدن اسلامی واکاوی نماید.

۲. مقدمه

یکی از مهمترین مسائلی که در متون دینی، به‌ویژه قرآن کریم و روایات اهل‌بیت(ع)، مورد تأکید قرار گرفته، مسأله وحدت و وفاق میان مسلمانان است که از مفاهیم بنیادین در آموزه‌های دینی اسلام به‌شمار می‌روند و همواره مورد تأکید قرآن کریم و سنت معصومان(ع) بوده است. وحدت نه تنها یک اصل اجتماعی ضروری در جهت حفظ کیان جامعه اسلامی، بلکه آموزه‌ای راهبردی و بنیادین در جهت تحقق اهداف عالی دین اسلام، از جمله عدالت، کرامت انسانی، و پیشرفت همه‌جانبه در تمدن اسلامی محسوب می‌شود. در عصر کنونی که جهان اسلام با چالش‌های متعددی نظیر افراط‌گرایی، اختلافات مذهبی، قومیتی و سیاسی، مواجه است، توجه به مفهوم وحدت اسلامی و تبیین اسباب و آثار آن، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

از آنجا که قرآن کریم به‌عنوان اصلی‌ترین منبع معرفتی مسلمانان و روایات نبوی و علوی به‌عنوان مفسران بیانی کتاب آسمانی، سرشار از دعوت به وحدت، پرهیز از تفرقه و تقابل، و ترغیب به همدلی و اخوت مسلمانان می‌باشد، بررسی و استخراج آموزه‌های وحدت‌آفرین از این منابع، می‌تواند گامی اساسی جهت نظریه‌پردازی دینی پیرامون مقوله وفاق اسلامی باشد.

ضرورت و اهمیت این تحقیق از چند بُعد قابل توجه است:

۱. ضرورت دینی: با توجه به تأکیدات فراوان قرآن و سنت بر وحدت، شناخت ریشه‌ها و پیامدهای آن، قدمی مهم در راستای تحقق آموزه‌های دینی شمرده می‌شود.

۲. نیازهای اجتماعی و سیاسی جهان اسلام: شکاف‌های مذهبی و نزاع‌های درون‌فرقه‌ای، تهدیدی برای امنیت و ثبات جوامع اسلامی تلقی می‌شوند. بررسی علمی اسباب وحدت و آثار آن، می‌تواند راهگشای حل بسیاری از منازعات باشد.

۳. پاسخ به شبهات معاصر: در فضای فکری امروز، گاه وحدت به‌عنوان شعار سیاسی یا ابزاری تلقی می‌گردد. این تحقیق، در پی آن است تا ریشه‌های الهی و وحیانی وحدت را تبیین نموده، آن را به‌عنوان یک راهبرد الهی، معرفی کند.

در سده‌های اخیر، با افزایش چالش‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در جهان اسلام، تلاش‌های فکری و سازمان‌یافته‌ای برای تحقق وحدت میان مذاهب انجام گرفته است. از این جهت، قمی (۱۳۸۳) در کتاب "وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت" تأکید می‌کند که شرط اول تحقق وحدت، بازخوانی مشترکات دینی و انکار خشونت مذهبی است. همچنین آشتیانی (۱۳۹۲) این وحدت را نه یک تاکتیک موقت، بلکه راهبردی تمدنی برای بازسازی امت اسلامی در برابر تهدیدات جهانی می‌داند.

از سوی دیگر، پژوهش‌هایی همچون آثار شهید مطهری در مجموعه مقالات "مسئله وحدت اسلامی" (۱۳۶۴)، با مرزبندی دقیق میان وحدت اسلامی و وحدت مذهبی، بر این نکته تأکید دارند که وحدت موردنظر، به معنای انکار تفاوت‌های مذهبی نیست، بلکه بر مدار همزیستی مسالمت‌آمیز، گفت‌وگو و رعایت حقوق متقابل شکل می‌گیرد. بنابراین تا کنون در آثار متعددی به وحدت و اتحاد دینی پرداخته شده است لیکن علی‌رغم گستردگی منابع دینی در این باب، کمتر مطالعه‌ای به صورت جامع، هم‌زمان به تبیین اهمیت، علل و نتایج وحدت در ساحت آموزه‌های اسلامی پرداخته است. از این‌رو، پژوهش حاضر می‌کوشد این خلأ علمی را تا حد ممکن مرتفع سازد.

۱-۲. مفهوم شناسی

۱-۱-۲. مفهوم لغوی وحدت

وحدت در لغت به معنی یکی بودن؛ منحصر به فرد بودن. (مدنی؛ ۳۰۶/۶) یگانگی و

تنهایی و انفراد و یکتایی است. (نفیسی؛ ۳۸۳۸/۵)

۲-۱-۲. مفهوم اصطلاحی وحدت

اتحاد، اتفاق و پیوستگی نیز از دیگر مفاهیم اصطلاحی وحدت می باشد. (آذرنوش، ۷۳۷) همچنین وَحْدَةُ الْأُمَّةِ به مفهوم اتحاد ملت می باشد. (مهیار، ۹۷۸)

۲-۱-۳. مفهوم لغوی وفاق

وفاق از ریشه وفق: (بر وزن فلس) به معنی مطابقت میان دو چیز (قرشی، ۲۲۹/۷) و همسانی میان دو چیز است. (راغب اصفهانی، ۸۷۷) همچنین به معنای المُوَافَقَةُ نیز آمده است. (مهنّا، ۷۵۰/۲)

۲-۱-۴. مفهوم اصطلاحی وفاق

وفاق در اصطلاح به مفهوم تَفَاهُْم و الفت (دارالمشرق، ۱۵۴۶) سازواری و همراهی و یکدلی و یک جهتی ضد نفاق و اتحاد و اتفاق و موافقت و مشابّهت و سازش و معاهده است. (نفیسی، ۳۸۷۶/۵) همچنین سازگاری و محبت نیز از دیگر معانی وفاق در اصطلاح است. (دهخدا، ۳۱۳۸/۲) چنانکه عبارت «جَوْ مِنْ الْوِفَاقِ» به معنای «فضایی از هماهنگی» و عبارت «وَفَاقٍ بَيْنَ صَدِیقَیْنِ» به معنای «هماهنگی بین دو دوست» است. (دارالمشرق، ۱۵۴۶).

۲-۱-۵. کلمه‌های مترادف وحدت و وفاق

اتحاد از جمله مهمترین مترادف‌های این دو کلمه می‌باشد؛ زیرا معانی آنها به یکدیگر مشابه است. چنانکه اتحاد در لغت به یکی شدن و یگانگی داشتن (ابن معروف، ۸۷) یگانگی، وحدت، اتحاد، پیوستگی؛ سازگاری، سازش، توافق، هماهنگی، هم‌رایی، دمسازی، وفاق، موافقت؛ ترکیب، ادغام، آمیختگی؛ هم‌پیمانی، اتفاق (فرهنگ معاصر عربی - فارسی:

(۷۳۷) معنی می‌شود.

و در اصطلاح نیز دارای مفاهیمی چون جمع آمدن برای هدف معینی (مهیار، ۱۰) اتفاق و سازش. همدمی و مؤانست. رفاقت و دوستی و مودت. و دوستی با صداقت و خلوص می‌باشد. (نفیسی، ۸۰)

بنابراین واژه‌هایی همچون «وحدت»، «وفاق»، و «اتحاد» غالباً در برابر «تفرقه»، «شقاق» و «اختلاف» قرار گرفته و تقابل این دو رویکرد، به‌ویژه در آثار دینی، به‌مثابه دو راهبرد کلان در جامعه‌سازی دینی مطرح شده‌اند.

۳- اهمیت وحدت و وفاق در آموزه‌های اسلامی

۳-۱. امر بر پرهیز از تفرقه و پراکندگی در دین

وحدت و اتحاد در حوزه تفکر اسلامی و در چارچوب تعالیم دینی از اهمیت بسزایی برخوردار است، به گونه‌ای که در آموزه‌های اسلامی بر ضرورت توجه به این مقوله و تلاش در جهت حفظ و تقویت آن در جامعه اسلامی تأکید شده است. همان‌گونه که قرآن کریم اهمیت وحدت و حفظ وفاق میان جامعه اسلامی را چنین مطرح می‌کند:

«شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ...» (الشوری، ۱۳)

برای شما از [احکام] دین چیزی را تشریع کرده است که نوح را به آن سفارش نمود و نیز آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که ابراهیم و موسی و عیسی را به آن سفارش نمودیم که دین را برپادارید و در آن پراکنده نشوید.

این آیه، علاوه بر تأکید به پرهیز از پراکندگی در دین، بر لزوم و وجوب اتحاد میان ادیان پیشین نیز تأکید می‌نماید و به اهمیت همبستگی و وحدت در اصول و مبانی دینی مشترک میان ادیان مختلف اشاره دارد.

طبق این آیه شریفه، ادیان آسمانی در اصول اعتقادی و توحید هم‌راستا و هماهنگ

هستند، هرچند براساس تکامل جامعه انسانی، قوانین جزئی و فرعی در هر دین متفاوت است؛ اما در نهایت، دین اسلام به عنوان کامل ترین و نهایی ترین مرحله این تکامل شناخته می شود. این آیه، هدف اصلی پیامبران الهی را که مبارزه با شرک و تفرقه است، مطرح می کند. در مقابل، مخالفان پیامبران، که به دنبال خرافات، شرک و تفرقه اند، توحید و وحدت را برای خود مشکل و گران می دانند. ستمکاران و سرکشان، عامل اصلی تفرقه افکنی هستند و در واقع، ناآگاهی و نادانی آنان، در کنار ستمگری، مانع از تحقق وحدت و توحید در جامعه می شود، در حالی که حجت بر آنان تمام شده است و دیگر عذری برای نادانی باقی نمی ماند. (رضایی اصفهانی، ۲۷۱/۱۸)

همچنین اهتمام الهی به اتحاد مؤمنان در توجه به رفتار منطبق با احکام دین از دیگر نکات این آیه شریفه می باشد.

در آیه ذیل نیز خداوند متعال با تاکید بر مسیر هدایت و لزوم پیروی از آن؛ از راه هایی که سبب تفرق می شود نهی می فرماید:

«وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (الأنعام، ۱۵۳)

و [بگو:] که این راه مستقیم من است؛ پس، از آن پیروی کنید، و از راه ها [ی دیگر] پیروی نکنید که شما را از راه خدا پراکنده کند. این است آنچه [خدا] شما را به آن سفارش کرده است، باشد که تقوا پیشه کنید.

در تفسیر این آیه چنین آمده که اگر همه افراد از دین خدا پیروی کنند و عقیده حق و ایمان را در دل داشته باشند، این امر آنان را متحد و منسجم می سازد. همچنین، با استناد به حدیثی از پیامبر اکرم (ص)، نشان داده شده است که راه راست خدا همان راهی است که او با دست خود ترسیم کرده است. در کنار این راه، خطوطی کشیده شده است که نشان می دهد هر راه دیگری، جز راه مستقیم، ممکن است تحت سلطه شیطان باشد و مردم را به سوی انحراف و تفرقه فرامی خواند. این حدیث تأکید می کند که راه حق، راهی است که باید

با دقت و آگاهی طی شود تا از وسوسه‌های شیطانی و انحرافات جلوگیری گردد و جامعه در مسیر وحدت و ایمان باقی بماند. (مغنیه، ۴۴۰/۳)

بنابراین اتحاد مسلمانان در جهت تقوا پیشگی آنان از اسباب مهم و کلیدی فراهم نمودن فلاح فردی و نصرت برای جامعه اسلامی می‌باشد. چنانکه نقل شده که مردی از امیرمؤمنان (ع) در باره «سنت» و «بدعت» و «فرقت» و «جماعت» سؤال کرد و حضرت فرمود: اما مراد از سنت همان سیره و روش رسول خدا (ص) است، و بدعت هر چه آن را مخالفت کند، و فرقت اهل باطلند هر چند بسیار باشند، و جماعت؛ اهل حقند هر چند اندک باشند. (ابن شعبه؛ ۲۱۱/۱) معنای حدیث، آن است که خدا تنها با کسانی است که بر محور حق گرد هم آمده باشند و با یکدیگر همکاری کنند، اما اگر بر باطل گرد هم آیند، جز شیطان هیچ‌کس با آنها نخواهد بود. (مغنیه، ۲۰۰/۲)

۳-۲. امر به حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه افکنی

در آیه ذیل بر تمسک جمعی به ریسمان محکم الهی امر شده است که خود گویای اهمیت حفظ وحدت می‌باشد؛ و پس از آن به نهی از پراکندگی امر شده است:

«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...» (آل عمران، ۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید، آن‌گاه که دشمن یکدیگر بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت و در سایه نعمت او با هم برادر شدید لا تفرقوا یعنی لا تتفرقوا که یکی از دو تاء برای تخفیف حذف شده است یعنی پراکنده نشوید. (خسروانی، ۴۴/۲) پس یعنی دسته‌دسته نشوید و متفرق مشوید مانند اهل کتاب، بلکه متفق الکلمه و مجتمعا بر ایمان و ثبات در طاعت الهی و ترک عصیان اقدام نمائید. (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۹۴/۲) پس حیطه وحدت بسیار است چنانکه در اعتقاد و رفتار دینی اتحاد لازم است. چنانکه از امام علی (ع) نقل است که: جماعت را ملازم باشید و از پراکندگی بپرهیزید. (آمدی، ۱۵۰)

همچنین آیه وظیفه اصلی مسلمانان تنها ایمان و پرهیز از گناهان نیست، بلکه باید به صورت جمعی و همدلانه از قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) پیروی کنند و در این دو منبع مهم اختلاف نداشته باشند. همچنین، بر اساس آیات قرآن، به ویژه آیه ۶۷ سوره مائده، و روایات متواتر مانند روایات غدیر و روایات ثقلین، مهم‌ترین سنت پیامبر که پایه و اساس وحدت جامعه اسلامی است، موضوع وصایت و ولایت تأکید شده است. این روایات نشان می‌دهند که پیروی از وصایت و ولایت امیرالمؤمنین (ع) نقش کلیدی در حفظ وحدت و انسجام جامعه اسلامی دارد. (حسینی همدانی، ۱۵۶/۳)

مسلمانان باید تا زمانی که پیرو دین، پیامبر و کتاب واحد هستند، این رابطه‌های دینی را که از روابط نسبی قوی‌تر است، حفظ کنند و براساس آن رفتار نمایند. همچنین، تقویت رابطه میان پیروان یک دین، همانند تقویت رابطه در یک خانواده یا حزب است و این کار نباید منجر به تعصب و دشمنی با دیگران شود. برعکس، اسلام مردم را به مهربانی و الفت دعوت می‌کند، بدون توجه به دین، اندیشه یا نژاد آنها، و این اخوت اسلامی، همانند تقویت و حمایت از اخوت بشر است. در نهایت، گروه‌هایی که برای رضای خدا و صلاح جامعه جمع شده‌اند، واجب است که با هم همکاری کنند و شورش علیه آن‌ها حرام است، اما تجمع‌های بی‌هدف و بدون نفع، تنها ممکن است باعث کاهش درگیری‌ها و کشمکش‌ها شود. (مغنیه، ۲۰۰/۲)

طبق این آیه شریفه اتحاد و ایجاد وحدت و الفت در دل‌های مؤمنان از آیات الهی است و همچنین بر عنایت و اهتمام الهی به اتحاد در جامعه اسلامی نیز اشاره دارد. نکته دیگر پیشینه تاریخی وحدت است که اتحاد اعراب و نقش اسلام در اتحاد اعراب را متذکر شده است بحث کلیدی دیگر منشأ وحدت است که در این آیه خداوند منشأ الفت و محبت میان مؤمنان در صدر اسلام معرفی شده است. همچنین بر رهایی‌بخش بودن نعمت الهی اتحاد برای مؤمنان که شایسته یادآوری و سپاسگزاری است تأکید شده است.

۳-۳. تاکید بر اشتراکات

یکی دیگر از محورهایی که مبین اهمیت وحدت و وفاق در جامعه اسلامی است تاکید بر وجوه اشتراکی است؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا...» (آل عمران، ۶۴)

بگو: ای اهل کتاب، بیایید به‌سوی کلمه‌ای یکسان میان ما و شما، که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم.

قرآن کریم مردم را به نقاط مشترک بین اسلام و اهل کتاب فرامی‌خواند. این نشان می‌دهد که حتی اگر کاملاً در اهداف مقدس با هم توافق نداشته باشند، باید در بخش‌هایی که مشترک هستند، همکاری کنند و این بخش‌ها را پایه‌ای برای پیشبرد اهداف مقدس قرار دهند. این آیه، اصول و مبانی گفت‌وگوی بین پیروان ادیان الهی را مشخص می‌کند، که مهم‌ترین آن‌ها توحید، نفی شرک و نفی بردگی فکری و پرستش غیر خدا است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۴/۳)

لذا تعالیم دینی جوامع را با حداقل اشتراکات دعوت به بحث و گفتگو می‌کند تا اینکه وحدت و وفاق جمعی حاصل و یا حداقل از پراکندگی و تفرقه جلوگیری شود.

۳-۴. لزوم وحدت و وفاق برای نیل به فلاح

در ساحت تفکر اسلامی و آموزه‌های قرآن کریم؛ نیل جامعه به فلاح و ظفرمندی از اهمیت بسیاری برخوردار است و بر این اساس قرآن کریم بر لزوم وحدت و وفاق میان جامعه اسلامی بدین منظور تاکید دارد. چنانکه می‌فرماید:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۱۰۴)

و باید از میان شما گروهی باشند که [مردم را] به خوبی‌ها دعوت کنند، و به کارهای

پسندیده وادارند، و از کارهای ناپسند بازدارند؛ و اینان خود ظفرمندند خداوند پس از دعوت مؤمنان به تقوا، چنگ زدن به حق، و یادآوری نعمت‌های خدا و شکرگزاری، آن‌ها را به انجام کارهای نیک و بازداشتن از کارهای بد فرمان می‌دهد. مؤمنان باید به عنوان برادران و کسانی که از دشمنی و آتش جهنم نجات یافته‌اند، دعوتگر به خیر و آمر به معروف و ناهی از منکر باشند. چون این وظیفه نیازمند استعداد و آمادگی خاص است، همه مسلمانان نمی‌توانند این کار را انجام دهند، بلکه باید گروهی برگزیده شوند تا از طرف جامعه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر کنند. (داورپناه، ۳۱۳/۶) این خود گویای اهمیت حفظ وحدت در جامعه اسلامی و توجه به وفاق جمعی برای نیل به رستگاری می‌باشد. چرا که از پیامبر خدا(ص) نقل شده که می‌فرمایند: جماعت رحمت است و تفرقه رنجش است. (قضاعی، ۸/۱) چنانکه قرآن کریم درباره اهمیت این مطلب چنین می‌فرماید:

بهترین امتی که برای مردم به ظهور رسیده است شمايید؛ [چرا که] به کارهای پسندیده و امی دارید، و از کارهای ناپسند بازمی‌دارید، و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند برایشان بهتر بود. بعضی از آنان مؤمنند، و بیشترشان نافرمانند.^۱

۳-۵. محبویت الهی وحدت و اتحاد جمعی

یکی دیگر از محورهای اهمیت وحدت و وفاق در ساحت تفکر اسلامی محبویت وحدت و وفاق جمعی در ساحت خداوند است. چنانکه قرآن کریم محبویت اتحاد جمعی و وفاق در برابر دشمن را چنین توصیف می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقْتُلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنِينَ مَرْصُوصًا» (الصف، ۴)

به راستی خدا دوست دارد کسانی را که صف در صف - چنان‌که گویی بنایی ریخته شده از سرب‌اند - در راه او پیکار می‌کنند.

۱. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...» (آل عمران، ۱۱۰)

این محبت شامل کسانی است که محکم و استوار هستند، عقب‌نشینی نمی‌کنند، شکست نمی‌خورند و در مقابل دشمن ثابت قدم و مقاوم هستند. آن‌ها مانند دیواری هستند که اجزای آن به هم چسبیده و محکم ساخته شده است، و از هم جدا و پراکنده نمی‌شوند. این تصویر نشان‌دهنده اهمیت اتحاد و استحکام در مقابل چالش‌ها و دشمنان است. (طیب، ۵۱۰/۱۲) در این خصوص از امیرمومنان (ع) نقل است که می‌فرماید: دست [قدرت] خدا با جماعت است و پرهیز نمائید از تفرقه و پراکندگی. (سیدرضی، خطبه ۱۱۱) بنابراین اتحاد و انسجام و وحدت است که فرد و به تعبیری جامعه را از پراکندگی بری و آن را مستحکم و متحد می‌سازد. و طبق این آیه شریفه یکی از زمینه‌های اتحاد جهاد در راه حق می‌باشد خواه جهاد نظامی یا جهاد فرهنگی.

۴. اسباب وحدت و وفاق در جامعه

در جامعه اسلامی، ایجاد و حفظ وحدت نیازمند برنامه‌ریزی و اقداماتی است که بتواند زمینه‌های اختلاف را کاهش داده و انسجام اجتماعی را تقویت کند. این اسباب شامل عوامل فرهنگی، آموزشی، قانونی و اجتماعی است که به منظور ترویج ارزش‌های مشترک و تقویت روحیه تعاون و همبستگی طراحی شده‌اند.

لذا اتحاد و هم‌بستگی در جامعه نیازمند اسباب و شرایطی می‌باشد که برای تحقق آن در جامعه اسلامی ضرورت می‌نماید تا به وسیله آن اسباب به این آموزه مهم اسلامی توجه و بر حفظ و اهتمام آن کوشید. همچنین برای رفع برخی اختلافات اسبابی نیازمند است تا آن اختلافات حل و وحدت جمعی حاصل شود. در ذیل به این اسباب پرداخته می‌شود:

۴-۱. تعالیم انبیاء (ع)؛ ایمان و هدایت

قرآن کریم سه سبب مهم برای وحدت و وفاق را چنین مطرح می‌فرماید:

«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُخْطَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ

أَلْبَيِّنَتْ بَعْثًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَا اُخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (البقرة، ۲۱۳)

مردم [در آغاز] یک امت بودند. پس خدا پیامبران را به عنوان بشارت‌دهنده و اخطارکننده برانگیخت، و کتاب‌ها [ی آسمانی] را به حق با آنان نازل کرد، تا میان مردم درباره آنچه بر سرش اختلاف داشتند حکم کند؛ و جز کسانی که کتاب به آنان داده شد - پس از آن‌که دلایل روشن برایشان آمد - از روی زیاده‌طلبی که میانشان وجود داشت هیچ‌کس در آن اختلاف نکرد؛ پس خدا کسانی را که ایمان آورده بودند، به اذن خود، به آن حقی که در آن اختلاف داشتند هدایت کرد، و خدا هرکه را بخواهد به راهی راست هدایت می‌کند.

انسانها [در بدو خلقت] بر یک فطرت آفریده شده بودند [و به آنچه عقل و فطرت حکم می‌کرد رفتار می‌کردند]. (طبرسی، ۱/۱۱۶) این آیه متضمن سه مرحله و سه طور تکاملی نوع انسان است: نخست مرحله‌ای که نوع یا اکثر انسانها امت واحده بودند. پس از آن دارای اختلاف شدند یا زمینه اختلاف پدید آمد، سپس پیامبران مبعوث شدند. (طالقانی، ۱۰۸/۲) بنابراین یکی از اسباب اتحاد در جوامع تعالیم انبیاء (ع) می‌باشد. این آیه شریفه همچنین بر اتحاد در جوامع ابتدایی و اتحاد اجتماعی انسان‌های اولیه اشاره دارد و بر مصادیق دیگری همچون ایمان و هدایت به عنوان اسباب اتحاد بعد از پدیدار شدن اختلافات و تفرقه‌ها تاکید شده است.

۴-۲. تبعیت از دستورات خدا و رسول او و اوصیاء آن حضرت (ع)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (البقرة، ۲۰۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی به اطاعت [خدا] درآیید، و از گام‌های شیطان پیروی نکنید. همانا او برای شما دشمنی آشکار است.

در تفسیر این آیه چنین آمده: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید به اوامر و دستورات خدا و رسول او تسلیم شوید و نظر و سلیقه و اختلاف نظر را کنار بگذارید. باید به

حبل الله، که شامل قرآن، اسلام، اطاعت از پیامبر و ائمه و اوصیای طاهرين است، چنگ بزنید و از تفرقه و پراکندگی پرهیز کنید. در غیر این صورت، جامعه دچار هرج و مرج و تفرقه می شود که این وضعیت موجب ضعف مسلمانان و تقویت دشمنان خواهد شد. بنابراین، مسلمانان باید در انجام وظایف دینی خود، از تعلیمات اوصیای معصومین پیروی کنند و راهنمایی های آنان را سرلوحه قرار دهند. (داورپناه، ۲۶/۴)

این آیه شریفه بر دعوت الهی به اتحاد با اطاعت از خدا و پیروی نکردن از شیطان تاکید داشته و با طرح اسباب وحدت و اتحاد؛ خداوند را یکی از مهمترین محورهای اتحاد معرفی می فرماید. همچنین اهمیت اتحاد عنایت و اهتمام الهی به اتحاد در جامعه اسلامی نیز از نکات دیگر این آیه شریفه می باشد.

۴-۳. اطاعت از پیامبر (ص) و درخواست اذن از آن حضرت

یکی دیگر از اسباب وحدت و وفاق اطاعت از پیامبر خدا (ص) و توجه به اذن پیامبر در انجام فعالیت های جمعی و عمومی است. چنانکه در این خصوص قرآن کریم می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ...» (النور، ۶۲) جز این نیست که مؤمنان کسانی اند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند، و هنگامی که در کاری عمومی با او هستند، تا از او اجازه نگیرند نمی روند. بی تردید، کسانی که از تو اجازه می گیرند، اینانند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند.

این اذن برای امور جامع و گسترده ای مانند جهاد با کفار و مشرکان، یا اموری که نیازمند انجام جمعی و گروهی است، صادر می شود. مثلاً امر جهاد، حفر خندق، مشورت در امور، نماز جماعت و دیگر احکام اجتماعی. همچنین، تاکید شده است که اگر اهمیت آن امر واجب بیشتر از اهمیت اجتماع است، به افراد اجازه داده می شود، اما اگر اهمیت آن چندان زیاد نباشد و حضور در اجتماع برای انجام آن مهم تر است، اجازه داده نمی شود. این

نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری درباره اذن در امور اجتماعی براساس میزان اهمیت و ضرورت آن در جامعه است. (طیب، ۵۶۴/۹) بنابراین اجتماع و وحدت جامعه اسلامی امری مهم و اساسی است و برای تحقق آن؛ توجه به اذن پیامبر و اطاعت از حضرتش برای حفظ و انسجام وحدت در جامعه اسلامی ضروری می‌باشد. چرا که قرآن کریم می‌فرماید: و خدا و پیامبرش را فرمان برید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و قدرت شما از بین برود، و صبر کنید که خدا با صابران است.^۱

این آیه شریفه علاوه بر اشاره به لزوم اتحاد مسلمانان در ساحت تبعیت از پیامبر خدا(ص) و لزوم وحدت و انسجام در جهاد بر تعبد منطقی نیز به عنوان یکی از اسباب اتحاد معرفی شده است. همان‌طور که آیه ذیل به این مسئله اشاره داشته است:

آنان در صورت همبستگی با یکدیگر هم جز در قریه‌های مستحکم یا از پشت دیوارها با شما پیکار نمی‌کنند. قدرتشان در میان خودشان سخت است. آنان را همدل و متحد می‌پنداری و حال آنکه دل‌هایشان پراکنده است. این بدان سبب است که آنان گروهی هستند که عقل خود را به کار نمی‌گیرند.^۲

صاحب تفسیر المیزان با اشاره به وضعیت منافقین معتقد است که در ظاهر، آن‌ها متحد و منسجم‌اند، اما در واقع دل‌هایشان پراکنده و متفرق است. این پراکندگی و نفاق باعث ضعف و شکست آنان می‌شود. علت این وضعیت، نبود تعقل و خردورزی در میان آنان است؛ اگر آنان تعقل می‌داشتند، می‌توانستند اتحاد پیدا کرده و نظرات خود را یکسان کنند. وی همچنین تمثیلی از حال منافقین با شیطان ارائه می‌دهد که شیطان انسان را تا مرز کفر می‌کشاند ولی پس از فریب دادن او، از او بیزار می‌شود. این تمثیل نشان‌دهنده ناپایداری و فریبکاری منافقین است؛ همان‌طور که شیطان انسان را فریب می‌دهد ولی در نهایت از او متنفر است، منافقین نیز در ظاهر همراه هستند ولی در عمق دل‌هایشان پراکنده‌اند.

۱. «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَزَغُوا فِتْنَتَهُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (الانفال، ۴۶)
 ۲. «لَا يَقْتُلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قَرْيٍ مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (الحشر، ۱۴)

(طباطبایی، ۲۱۲/۱۹) لذا علامه بر اهمیت تعقل و اتحاد واقعی تأکید دارد و هشدار می‌دهد که ظاهر وحدت منافقین ممکن است فریب‌دهنده باشد، اما حقیقت آن چیزی جز پراکندگی و نفاق نیست.

۴-۴. عبادت توحیدی

پرستش خداوند واحد و عبادت توحیدی نیز یکی از اسباب وحدت جمعی و وفاق در جامعه است؛ چنانکه در آیه ذیل به وحدت پرستش و وفاق در عبودیت خداوند یکتا در میان امم پیشین اشاره است:

«...قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَٰهًا وَحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (البقرة، ۱۳۳) یعقوب به پسرانش گفت: پس از من چه چیزی را خواهید پرستید؟ گفتند: معبود تو و معبود پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را می‌پرستیم که معبودی یگانه است و ما تسلیم او هستیم.

از گفتگوی یعقوب (ع) با فرزندان، چنین برداشت می‌شود که: بخش اعظم نگرانی یعقوب (ع) خطر انحراف از توحید عبادی بوده است، نه فقط هراس از انحراف اعتقادی؛ زیرا خطر انحراف از توحید عبادی - چنانکه جریانات تاریخ امت‌ها نشان می‌دهد - همواره از دیگر انحرافات دینی، بیشتر بوده است. (انصاریان، ۳۴۹/۳) لذا گفتگوی حضرت یعقوب (ع) و نگرانی اصلی یعقوب بیشتر مربوط به انحراف در عبادت و توحید رفتاری بوده است، نه فقط انحراف در اعتقاد. یعنی او نگران این بوده است که مردم از مسیر صحیح توحید در رفتار و عبادت خارج شوند، چرا که تاریخ امت نشان می‌دهد انحرافات رفتاری در توحید، غالباً از انحرافات اعتقادی خطرناک‌تر و مخرب‌تر بوده‌اند.

این نکته نشان می‌دهد که حفظ توحید در رفتار و عبادت اهمیت ویژه‌ای دارد و ممکن است فردی از نظر اعتقادی درست باشد ولی در رفتار منحرف شود، که این نوع انحرافات آسیب‌های جدی‌تری بر دین وارد می‌کند. بنابراین، نگرانی یعقوب بیشتر بر روی اصلاح

رفتارها و اعمال عبادی متمرکز بوده است تا صرفاً تصحیح باورهای اعتقادی. در مجموع، بر اهمیت توجه به توحید رفتاری و عبادی تأکید دارد و هشدار می‌دهد که مراقبت از این جنبه‌ها بسیار مهم است، زیرا خطر انحراف در آن‌ها همواره بیشتر و مخرب‌تر است.

همچنین انحراف از توحید عبادی و عبودیت غیر خدا سبب پدیدار شدن اختلافات و نزاع‌ها و به عبارتی خدشه‌دار شدن وحدت جمعی و اتحاد و هرج و مرج در جوامع می‌شود. چنانکه قرآن کریم خطاب به مسلمانان می‌فرماید: آری، این راه [و رسم] شماست که راه [و رسمی] یگانه است، و من پروردگار شمایم، پس مرا بپرستید.^۱

صاحب مجمع البیان می‌گوید: این دین شما یکی است. اصل امت، جماعتی است که در مسیر واحدی باشد. از این رو شریعت و دین را «امت واحده» خوانده است. زیرا پیروان یک دین، یک هدف دارند. برخی نیز گویند: یعنی این پیامبران از خود شمایند. شما باید به آنها اقتدا کنید که آنها اجتماع بر حق دارند. (طبرسی، ۹۹/۷)

و در آیه دیگر چنین می‌فرماید: و همانا این راه [و رسم] شماست، که راه [و رسمی] یگانه است، و من پروردگار شمایم، پس از من پروا کنید.^۲

بنابراین آیات مزبور خود دال بر اهمیت وحدت و اتحاد می‌باشند و امر بر پروا و عبادت خداوند یکتا به عنوان اسباب اتحاد و وفاق معرفی شده است. همچنین با اشاره بر اتحاد پیروان ادیان پیشین؛ به توحید به عنوان یکی از زمینه‌های اتحاد و به خدا؛ انبیاء و دین به عنوان محورهای اتحاد اشاره شده است.

همچنین ذکر این نکته لازم است که اختلاف در آیین [- قانون] موجب اختلاف در دین نمی‌شود؛ زیرا اصول دینی واحد است. برای نمونه، قوانین کشورهای مسیحی متعدد و متفاوت است اما، همگی دارای یک عقیده دینی می‌باشند. (مغنیه، ۶۱۰/۵)

این دعوت به وحدت و اتحاد و پرهیز از اختلاف و تفرقه پیش از اسلام نیز بوده است.

۱. «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (الانبیاء، ۹۲)

۲. «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (المومنون، ۵۲)

چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

و هنگامی که عیسی با دلایل روشن آمد گفت: به راستی من حکمت را برای شما آورده‌ام، و [آمده‌ام] تا برخی از چیزهایی را که در آن اختلاف دارید برای شما بیان کنم، پس از خدا پروا بدارید و از من اطاعت کنید همانا خداست که پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را پرستید که این راهی است راست ولی از میان آنان احزاب اختلاف کردند، پس وای بر کسانی که ستم کردند از عذاب روزی دردناک!^۱

چرا که در آیه دیگر می‌فرماید: و اوست که در آسمان معبود است و در زمین معبود است، و اوست که حکیم و داناست.^۲

و خطاب به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید:

بگو: ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده، و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده، و آنچه به موسی و عیسی و [دیگر] پیامبران از جانب پروردگارشان داده شده است ایمان آورده‌ایم؛ میان هیچ‌یک از آنان فرق نمی‌گذاریم و ما تسلیم [فرمان] او هستیم.^۳

۴-۵. وجود صبر؛ مقاومت و صیانت

از اسباب دیگری که وحدت جمعی و اتحاد در جامعه را سبب می‌شود صبر؛ مقاومت و صیانت در برابر دشمن است؛ این سه رکن علاوه بر اینکه در خود وحدت و وفاق را دارند سبب استحکام و انسجام وحدت و پایداری آن می‌شود. لذا قرآن کریم خطاب به مومنان می‌فرماید:

۱. «وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلَفُونَ فِيهِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرَ اللَّهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ الْيَوْمِ» (الزخرف، ۶۵-۶۳)

۲. «وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ» (الزخرف، ۸۴)

۳. «قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (آل عمران، ۸۴)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۲۰۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [در برابر سختی‌ها] صبر داشته باشید، و [در برابر دشمن] مقاومت پیشه سازید، و [از مرزها] نگهبانی کنید، و از خدا پروا نمایید، باشد که ظفرمند شوید.

در تفسیر این آیه علی بن ابراهیم از پدرش، از ابن ابی عمیر، از ابن مسکان روایت کرد که امام صادق (ع) فرمود: در برابر سختی‌ها پایدار باشید و بر واجبات، صبر کنید و از حدود پیشوایان دفاع کنید. (بحرانی، ۷۳۰/۱)

همچنین در تفسیر غریب القرآن آمده است: یعنی ثابت قدم و پابرجا باشید. (زید بن علی؛ ۱۹۰/۱) لذا پایداری؛ ثبات قدم و استقامت در جامعه با وحدت و اتحاد جمعی حاصل می‌شود. چنانکه در آیه دیگر می‌فرمایند:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که با گروهی [از دشمن] برخورد کردید استوار باشید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که ظفر یابید.^۱

۴-۶. توجه به حفظ وفاق و مودت میان مومنان

یکی دیگر از محورهایی که وحدت و اتحاد جامعه به آن بستگی دارد و به عبارتی سبب آن می‌شود؛ توجه به تحکیم پیوندهای اجتماعی و ارتباط برادرانه و خواهرانه میان مومنان می‌باشد. قرآن کریم در این باره چنین می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلََّا تَجَسَّسُوا وَلََّا يَغْتَابَ بَعْضُكُم بَعْضًا» (الحجرات، ۱۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید؛ زیرا برخی گمان‌ها گناه است، و تجسس نکنید، و برخی از شما غیبت برخی دیگر را نکنند؛ آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ [هرگز!] پس [همان‌گونه که] از آن کراهت دارید، [غیبت برادر خود را نیز نکنید که آن مانند خوردن گوشت مرده اوست]، و از خدا

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُتِلْتُمْ فَمِنَ مَّنْ قُتِلَ وَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (الانفال، ۴۵).

پروا بدارید که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است

غیبت سبب ترور شخصیت غیبت شونده، از بین رفتن حرمت افراد، ایجاد اختلافات اجتماعی، سست شدن پیوندهای اجتماعی و از دست دادن سرمایه‌ی تعاون و اعتماد عمومی و در نتیجه سبب تضعیف وحدت جامعه، منتشر کردن بذر کینه و دشمنی در بین جوامع و در نهایت، ایجاد درگیری‌ها می‌شود. (رضایی اصفهانی، ۲۷۰/۱۹)

همچنین خداوند متعال در آیه بعد بر وحدت و اتحاد همه جوامع انسانی تأکید داشته است و می‌فرماید: «...إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...» (الحجرات، ۱۳)

این آیه، فراخوانی از سوی قرآن کریم به تشکیل یک امت انسانی و جهانی واحد است که عدالت و محبت آنان را جمع آورد. لذا اگر آن وحدت انسانی فراگیر که قرآن بیش از ۱۳۰۰ سال است بدان فرامی‌خواند تحقق نیابد، به رسمیت شناختن ارزشمندی انسان، جوهری بر روی صفحه کاغذ و نظرگاهی بیش نخواهد بود. (مغنیه، ۲۰۸/۷)

۵. آثار وحدت و اتحاد

بعد از شرح اهمیت اتحاد و وفاق در جامعه و احصاء اسباب وحدت و انسجام در ذیل به آثار وحدت و وفاق اشاره می‌شود؛ چنانکه قرآن کریم به ارزش اتحاد چنین اشاره می‌فرماید: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (النساء، ۱۱۴)

در بسیاری از نجوای آنان خیری نیست؛ مگر کسی که [در نجوایش] به صدقه یا به کاری پسندیده یا اصلاحی میان مردم فرمان دهد. و هر کس برای طلب خشنودی خدا چنین کند، به زودی اجری بزرگ به او خواهیم داد.

لذا تأکید بر فرمان به صدقه یا رفتار پسندیده یا اصلاح ذات‌البین علاوه بر اشاره به ارزش اجتماعی اتحاد و وفاق بر آثار وحدت و اتحاد که توجه به یاری‌رسانی به

دیگران؛ خیرخواهی برای غیر و حل مشکلات نیز اشاره دارد؛ زیرا اینها جز در ساحت اتحاد و وفاق میسر نمی‌شود و بلکه در صورت تفرقه و اختلاف به اینها نیز بی‌توجهی می‌شود. تفرق همچون جاهلیت سبب محاربه و مقاتله با یکدیگر و سبب زوال محبت و الفت می‌شود. (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۹۴/۲) پس امر به وحدت و اتحاد از آن سبب است که با ایجاد اختلاف در میان خود از حق جدا نشوید، چنان‌که «یهود» و «نصاری» با هم اختلاف کردند و متفرق شدند. مشرکان عرب نیز به سبب اختلافات و نزاع در جاهلیت به یکدیگر تعدی و تجاوز می‌کردند، به طوری که جنگهای میان «اوس» و «خزرج» میان آنان بسیار پر دامنه بود تا آن که خداوند به وسیله پیامبر اسلام (ص) میان دلهای آنان الفت ایجاد نمود و کینه‌های گذشته را از میان برد. (طبرسی، ۱۹۴/۱)

بنابراین خداوند متعال پس از دعوت به اسلام، دعوت به اتحاد و یگانگی می‌کند و دستور می‌دهد که همه افراد مسلمان به طور اجتماع و همدستی از قرآن کریم و از سنت رسول اکرم پیروی نمایند و همچنین نعمت الفت دادن میان دلهای را به یاد مسلمانان می‌آورد که چگونه در گذشته با هم دشمن بودند ولی خداوند متعال به واسطه اسلام و ایمان دلهای آنها را به هم مربوط ساخته و میان آنان یگانگی برقرار نمود و به جای دشمنی جاهلیت دوستی در دلهای آنها ایجاد نمود و در تحت لوای یکتاپرستی جمع شده و پیامبر را درباره نشر احکام الهی یاری نمایند. چنانکه می‌فرماید: و همگی با هم به ریسمان خدا و به قرآن مجید و ائمه طاهرین (ع) چنگ بزنید و پس از دخول به اسلام متشتت نشده و متفرق نشوید و نعمت بزرگ و بخشش خدا به شما را به یاد آرید هنگامی که دشمنان یکدیگر بودید و خدا به وسیله پیغمبر اکرم و به نعمت اسلام در دلهایتان الفت و دوستی افکند. (داورپناه، ۳۰۷/۶) بر این اساس تقریب دلهای مودت و الفت از آثار وحدت و اتحاد در جامعه است که زمینه ساز نشر دین و احکام الهی نیز می‌باشد؛ چرا که خداوند در آیه ذیل برای اهمیت و لزوم نهی از تفرقه و اختلاف در دین می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِعْبا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم

بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (الانعام، ۱۵۹)

کسانی که دین خود را پراکنده کردند و گروه‌گروه شدند، تو نسبت به آنان هیچ مسئولیتی نداری. کارشان فقط با خداست، سپس آنان را از آنچه انجام می‌دادند با خبر خواهد ساخت و در همین خصوص در آیه دیگر می‌فرماید:

«وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ...» (النساء، ۱۱۵) و هر کس، پس از آن‌که حق برای او آشکار شد، با پیامبر مخالفت کند و از راهی غیر از راه مؤمنان پیروی نماید، او را به همان حالی که خود خواسته است وامی‌گذاریم، و به آتش دوزخش می‌سوزانیم.

بنابراین شکستن اتحاد امت زمینه‌ی عذاب و خروج از ولایت الهی است و اتحاد مؤمنان در پیروی از پیامبر (ص) دارای اهمیت بسیار می‌باشد.

اما راز اینکه به مسئله اجتماع و اتحاد امت اسلامی، این همه اهمیت داده شده، آن است که پراکندگی مایه تبہکاری است و ملت پراکنده شایستگی رشد و نمو ندارد چه رسد به اینکه ملت‌های دیگر را به خیر و و رشد فراخواند اما با اینکه آیات و روایات بسیاری مسلمانان را به اتحاد و همبستگی دعوت می‌کنند، آنان به گروه‌ها و احزاب مختلف پراکنده شده‌اند و حتی تعداد گروه‌های مسلمان آن‌گونه که در حدیث معروف آمده است دو گروه بیشتر از گروه‌های یهود و یک گروه بیشتر از گروه‌های نصارا می‌باشد در حدیث دیگری از پیامبر (ص) آمده: «شما دقیقا گام به گام و نشان به نشان، سنت کسانی را در پیش خواهید گرفت که قبل از شما بودند» پرسیدند: یا رسول الله! آیا منظور شما یهود و نصاراست؟ حضرت فرمود: «پس چه کسی مقصود من است؟ شما ریسمان اسلام را پاره پاره می‌کنید» در کتاب الجمع بین الصحیحین تألیف حمیدی، در حدیث شماره ۱۳۱ نقل شده است: «در مسند انس بن مالک روایتی است که همگی بر آن اجماع دارند و آن اینکه رسول خدا (ص) فرمود: در کنار حوض از کسانی که مرا همراهی کرده‌اند، مردانی بر من وارد می‌شوند تا اینکه آنان را می‌بینم و آنها با حالت اضطراب، به طرف من رو می‌کنند من عرض می‌کنم:

پروردگارا! اصحاب من به من گفته می‌شود: تو نمی‌دانی که آنان پس از تو چه بدعت‌هایی کردند». (مغنیه، ۱۲۷/۲)

براساس آنچه نقل شد وفاق سبب رشد و نمو جامعه و ترقی افراد جامعه را فراهم ساخته و تفرقه و اختلاف جوامع را رو به زوال می‌نهد.

نتایج مقاله

۱. وحدت در قرآن و روایات امری کلیدی معرفی شده است، زیرا از لوازم رسیدن به جامعه مطلوب اسلامی می‌باشد.
۲. مهم‌ترین ریشه تفرقه را، قرآن در پیروی نکردن از خدا؛ پیامبر و مجموعاً بی‌توجهی به دستورات دینی و تعصب‌ورزی می‌داند.
۳. آموزه‌های اسلامی؛ ایمان؛ عبادت توحیدی؛ هدایت‌مندی و تبعیت از تعالیم انبیاء(ع) را از اسباب اتحاد و وحدت معرفی می‌کند.
۴. آثار وحدت شامل تحکیم امنیت، حل نزاع‌ها؛ ارتقای عزت؛ خیر و رشد فردی و اجتماعی و تحقق تمدن اسلامی است.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم با ترجمه مرکز فرهنگ قرآن.
۲. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۶.
۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد، به تصحیح رجایی، مهدی، غرر الحکم (تصحیح رجایی)، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۴. انصاریان، حسین، تفسیر حکیم، قم: دارالعرفان، ۱۳۹۸.
۵. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، به تصحیح غفاری، علی اکبر، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، ۱۳۶۳ ش.
۶. ابن معروف، محمد بن عبد الخالق؛ علوی نصر، رضا. فرهنگ کنز اللغات، تهران: مکتبه المرتضویه، بی تا.
۷. داورپناه، ابوالفضل. انوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۶۶.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ داوودی، صفوان عدنان. مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالشمیه، ۱۴۱۲/۱۹۹۲ ق.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷.
۱۱. زید بن علی، ترجمه تفسیر غریب القرآن، تهران: فراهانی، ۱۳۸۸.
۱۲. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، قم.
۱۳. شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، تهران: مبیقات، ۱۳۶۳.
۱۴. طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۵۲/۱۳۹۳.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن؛ تفسیر جوامع الجامع، تحقیق از واعظزاده خراسانی و دیگران، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۱۷. همو، مجمع البیان، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۸ ق.
۱۸. طیب، عبدالحسین. اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، ۱۳۶۹.
۱۹. قضاعی، محمد بن سلامه. شهاب الأخبار، قم: سازمان چاپ و نشر، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ۱۳۹۲.
۲۰. قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۹۰.
۲۲. معلوف، لوییس، المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة، بیروت: دارالمشرق، ۲۰۰۰.
۲۳. مغنیه، محمدجواد، تفسیر کاشف، ترجمه موسی دانش، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۸.
۲۴. مدنی، علی خان بن احمد. الطراز الأول و الكنز فی لغة العرب، مشهد مقدس: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۳۸۴.
۲۵. مهیار، رضا. فرهنگ ابجدی، تهران: اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۶. مهنا، عبدالله علی. لسان اللسان: تهذیب لسان العرب، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ ق.
۲۷. نفیسی، علی اکبر. فرهنگ نفیسی، بی نا، بی تا.